

اصولگرایان سنتی هم باخته‌اند؛ رکوردهای حداقلی بودن در حال جابه‌جایی است

هرچند مجلس یازدهم هم با آرای حداقلی شکل گرفت، اما اکنون رکوردهای حداقلی بودن هم در حال جابه‌جایی است و نفر اول تهران یک‌چهارم نفر اول دوره قبل رأی دارد و بعضی حوزه‌ها آرای باطله یا اول است یا دوم یا حتی جمع آرای سه نفر اول به اندازه نفر اول همان حوزه در دوره قبل نیست؛ مانند تهران.

به گزارش سایت خبری پرسون، مجلس دوازدهم ترکیب عجیبی به خود گرفته و از یک سو نمایندگانی قرار است برای بیش از ۸۰ میلیون ایرانی تصمیم بگیرند و قانون وضع کنند که حتی تعداد آرای‌شان به ۱۰ هزار رأی نرسیده است.

از سوی دیگر در رقابت درون‌جناحی اصولگرایان هم شاهد شکست راست سنتی و روی کار آمدن تندروهایی هستیم که پیش از این اقلیتی پرسروصدا در مجلس بودند؛ اقلیتی که نمی‌توان نقش آنان را به خاطر رفتارهای رادیکال در کاهش مشارکت نادیده گرفت و در نهایت ماهی خود را صید کردند.

هرچند در این مسیر اصولگرایان معتدل هم که به امید ائتلاف و حضور حامیان سنتی خود پای صندوق‌های رأی بودند، بازنده رقابت شدند و اگر دور دوم انتخابات در تهران و دیگر حوزه‌ها هم به روال دور اول باشد، هیئت‌رئیس مجلس را نیز باید در دستان تندروها ببینیم. اما احتمال تغییر همیشه وجود دارد. شاید این بار اقلیتی معتدل اما قدرتمند در مجلس دوازدهم شکل بگیرد.

تا زمان تنظیم این گزارش، در سراسر کشور فهرست صدای ملت توانسته ۴۱ کرسی مجلس را از آن خود کند. بنابراین در خلأ فراکسیون اکثریت که فعلاً نشانی از تشکیلش با نمایان‌شدن اختلافات عمیق اصولگرایان وجود ندارد، دست‌کم فراکسیون اقلیت میانه‌رو مقابل رادیکال‌ها نه‌تنها امکان عرض اندام بلکه توان نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری هم خواهد داشت.

با توجه به اینکه تعدادی از نمایندگان معتدل و میانه‌رو مانند مسعود پزشکیان، باقری‌بناب، غلامرضا نوری‌قزلبچه، مصطفی نخعی و مجتبی بخشی‌پور توانستند کرسی‌های خود را در مجلس دوازدهم حفظ کنند، همچنین برخی حوزه‌های دیگر کاندیدای ادوار گذشته و حتی برخی از چهره‌های جدید با شکست حریفانی مانند حسین جلالی، نماینده تندرو در مجلس یازدهم، فریدون عباسی‌دوانی و... می‌توانند ردای نمایندگی بر تن کرده و وارد بهارستان شوند. یا برخی از چهره‌ها مانند بیت‌الله عبداللهی، نصیری‌پور، سیدفرید موسوی، زهرا سعیدی، هادی قوامی و غلامرضا تاج‌گردون وارد مجلس شدند. امید می‌رود بتوانند مجلس را در مقابل رادیکال پرسروصدا کنترل کنند. تندروهایی که نیامده داعیه تنگ‌کردن فضا را دارند. به‌عنوان مثال نماینده‌ای از قم قبل از شکل‌گرفتن مجلس جدید در مصاحبه‌ای گفته است طرح صیانت از فضای مجازی «همان طرح عقیم‌مانده محدودسازی اینترنت در مجلس و اجرائی‌شده از سوی شورای عالی فضای مجازی» و طرح حجاب و عفاف را در اولویت پیگیری می‌گذارند.

فعلاً خبری از تلاش برای اقتصاد ناخوش، مسئله مسکن، خودرو، ارز و... نیست و گویی مجلس دوازدهم همان مسیر مجلس یازدهم را طی خواهد کرد.

هرچند مجلس یازدهم هم با آرای حداقلی شکل گرفت، اما اکنون رکوردهای حداقلی بودن هم در حال جابه‌جایی است و نفر اول تهران یک‌چهارم نفر اول دوره قبل رأی دارد و بعضی حوزه‌ها آرای باطله یا اول است یا دوم یا حتی جمع آرای سه نفر اول به اندازه نفر اول همان حوزه در دوره قبل نیست؛ مانند تهران.

دراین‌بین آرای بعضی نمایندگان حتی به ۱۰ هزار رأی هم نرسیده است. برای نمونه در یکی از حوزه‌های انتخابیه یک نماینده توانسته با کسب هشت‌هزارو ۱۴۷ رأی به‌عنوان منتخب مردم یکی از شهرستان‌های گیلان کرسی مجلس شورای اسلامی را به خود اختصاص دهد یا در استان مرکزی، در حوزه انتخابیه محلات و دلجان، محمد جلالی به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه محلات و دلجان با کسب بیشترین آرا به مجلس دوازدهم راه یافت. این نماینده منتخب با کسب پنج‌هزارو ۴۹۳ رأی از مجموع ۲۱هزارو ۴۶۱ رأی مأخوذه، به مجلس شورای اسلامی راه یافت. محمد جلالی، چهره‌ای نزدیک به اصولگرایان و اهل شهرستان دلجان است و مدیرکلی منابع طبیعی استان مرکزی در دولت احمدی‌نژاد از مهم‌ترین سوابق او است.

دراین‌بین آرای زیر ۲۰ هزار رأی هم کم نیست و برای نمونه حسین محمدزاده با کسب ۱۴هزارو ۸۹۴ رأی به‌عنوان نامزد منتخب در حوزه انتخابیه درگز معرفی شد. محمدرسول شیخی‌زاده با کسب ۱۷هزارو ۴۵۸ رأی از ۷۰هزارو ۱۶۳ رأی صحیح، به‌عنوان منتخب مردم قروه و دهگلان معرفی شد. در شهرستان آستارا، «ولی داداشی» با کسب ۱۶هزارو ۴۷۴ رأی از این حوزه انتخابیه راهی مجلس دوازدهم شد.

وقتی جزئیات آرا بررسی می‌شود، متوجه تغییر نوع نگاه رأی‌دهندگان و هدف از مشارکت می‌شویم که جای بحث و بررسی جدی دارد؛ حتی سطح حضور رأی‌دهندگان سنتی هم در این دوره جای بحث و تحلیل دارد.

به نظر می‌رسد تغییر در شیوه حکمرانی آن‌طور که قالیباف سال گذشته بارها مطرح کرد و اصولگرایان با حمایت از او از روش حکمرانی نوین گفتند، در حد سخن مانده است. پیامد این ماجرا به گونه‌ای بود که حتی برای همفکران این جریان هم تغییری رخ نداد تا این‌گونه بزرگان اصولگرایی بازنده رقابت با حاشیه‌های اصولگرایی باشند.